

شما پوچید. پوچی هم مثل هر چیز برای خودش حدی دارد. حدهایی دارد. حدها را شما نیستید که بر پوچی‌تان می‌گذارید. حدها را دیگران می‌گذارند، که اینهم نوعی پوچی است و خود حدی دارد. برای شما، و برای آنها که حد می‌گذارند. چون برای شما که حد می‌گذارند برای خودشان هم می‌گذارند. حدها پوچی‌ها را تزیین می‌کنند. چون چیزی را روی چیزی می‌گذارند که خودش را روی چیزی نمی‌گذارد. پوچی خودش را درون شما می‌گذارد در حالیکه حد خودش را جلوی شما، و جلوی پوچی‌ای که، طبعاً، با شما است. حدها را جلوی شما چه عمودی بگذارند چه افقی، به هر حال حدی است که جلوی شماست. حدهای عمودی جلوی شما برمی‌خیزند و حدهای افقی جلوی شما می‌خوانند. و شما به هر حال چه در مقابل آنچه جلوی شما برمی‌خیزد و چه در مقابل آنچه جلوی شما می‌خواهد توقف می‌کنید. مثل توقفی که در بیدار شدن خودتان و یا در خوابیدن خودتان می‌کنید. چون این حدهای مقابل خودتان را چه عمودی و چه افقی، قسمتی از خودتان می‌بینید، و قسمتی از خودتان می‌دانید. چون می‌خواهید آنها را هم پوچ بدانید، و مثل خودتان بدانید. و هم اینست که همه با حدهاشان آشتی می‌کنند، و حدهایی که دیگران جلوی رویشان گذاشته‌اند از خودشان می‌دانند، و کم‌کم خیال می‌کنند که خودشان گذاشته‌اند. مثل فاصله‌هاشان نیست که با دیگران می‌گذارند و خیال می‌کنند که با دیگران فاصله گرفته‌اند، در حالیکه با خودشان فاصله گرفته‌اند. فرق فاصله و حد در همین است، در حد، خودتان را در خودتان پیدا می‌کنید، و در فاصله دیگران را در خودتان پیدا می‌کنید، چون شما دیگرانید، فاصله‌ای بین شما و آنها نیست. و اگر هست برای آنست که در همان فاصله به هم برسید. ولی حدها در فاصله‌هاشان به هم نمی‌رسند. حدها را چه افقی، چه عمودی، فاصله‌هایی است، همیشه حدها را با فاصله گذاشته‌اند، و حدها چه افقی چه عمودی، در فاصله‌هاشان به هم نمی‌رسند. و همیشه در فاصله‌ای از هم می‌مانند. مثل فاصله‌ی شما با حدهاتان. حدهای چوبی، سیمانی حدهای سیمی، خاکی، املائی، امضایی حدهای گوشتی، حدهای خار، همه‌ی خار ...

از مجموعه‌ی منتشر نشده «امضاها»